

مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام

دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

صفحات ۵۲-۳۸

Online ISSN: ۲۴۷۶-۶۸۵۲

Print ISSN: ۲۵۳۸-۶۳۱X

www.irijournals.com

## خلافت در دوران خلیفه سوم

مرتضی نصیری

کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

---

### چکیده

هدف ما در این مقاله بررسی ساختار فرهنگی اجتماعی سیاسی قبیله‌گی حجاز و تأثیرات آن بر زندگی صحابه و در نتیجه ارائه تصویری از ساختار سیاسی حکومت در زمان خلیفه سوم است. برای دستیابی به اهداف موردنظر از پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل نوشتارهای مورخین استفاده شده است. نتیجه بررسی نشان داد که رسوبات ساختاری جامعه قبیله‌گی جاهلی بر دوران خلفای راشدین باقی مانده بود. در واقع هر چند که نظام سیاسی جاهلی از بین رفته بود و حکومت اسلامی استقرار یافته بود، دستیابی به هدف‌های وعده داده شده چندان آسان نبود و وضع موجود با توقعات جامعه سازگاری نداشت.

**کلمات کلیدی:** خلافت، خلیفه سوم، تاریخ ایران.

---

**مقدمه**

برای درک عواملی شورش‌ی که منجر به قتل خلیفه سوم گردید، مسلماً می‌بایست به عوامل سیاسی و اجتماعی توجه کرد. چراکه پیشینه بعضی از این عوامل به قبل از بعثت پیامبر بر می‌گردد.

بعضی دیگر از عوامل در زمان دو خلیفه ابوبکر و عمر به منصف ظهور رسیدند. بعضی دیگر را نیز می‌بایست نتایج مجموعه کار کرد دولت اسلامی در دوره خلافت خلیفه سوم دانست.

عطف سیاسی اجتماعی ساختار سیاسی عرب جاهلی قبل از اسلام، و همچنین ساختار سیاسی اسلامی در زمان حیات پیامبر، و ماجرای سقیفه بنی ساعده. به عنوان کار نام ساختار سیاسی جامعه اسلامی، و تأثیرات کار کردی دولت خلیفه اول ابوبکر بن ابی قحافه و خلیفه دوم عمر بن خطاب بر ساختار اجتماعی جامعه در دوره خلافت عثمان، و در نهایت شرح مبسوط پیرامون عملکرد دولت اسلامی در زمان خلیفه سوم ارائه خواهیم داد. تا بدین ترتیب علت‌های شورش مردم مصر و کوفه و بصره و مدینه علیه عثمان حتی الامقدور روشن گردد. بنظر میرسد نتایج چنین پژوهشهایی در تاریخ حکومت‌های دینی چراغ روشنی فراروی نسل حاضر بر افروزد. مشعل فروزان دانش میتواند خطرات برخاسته از عوامل داخلی را که انقلاب بزرگ عصر حاضر یعنی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند بهتر شناسانید و برای مبارزه با آن خطرات مہیای تدبیر شد.

البته مسلم است که عوامل موثر در ایجاد شورش علیه خلیفه سوم، همچون نقش تعصبات قبیله‌ای که خاصه ساختار قبیلگی جامعه عرب خصوصاً حجاز بود، امروزه جایگاهی در ساختار اجتماعی جامعه ایران اسلامی ندارد. لیکن گروه‌ها و جناح‌ها و تعصبات سیاسی آنان امروزه به مثابه گرایش‌ها و تعصبات قبیلگی جامعه عرب جاهلی در صدر اسلام قابل تعمیم میباشد. علاوه بر این عملکرد عثمان بن عفان به عنوان خلیفه دولت اسلامی و عملکرد مروان بن حکم به عنوان وزیر دولت وی و تعارض عملکردهای این دو با خواسته‌های مشروع جامعه مسلمانان خصوصاً مسلمانان عرب در صدر اسلام تجربه‌ای فراروی مسئولان و دولتمردان خواهد بود.

**مقدمه ای در باب منابع**

تاریخ صدر اسلام به سبب قداست پیامبر و اصحابش، خصوصاً خلفاً راشدین از قرن دوم هجری به بعد مورد توجه سیره نویسان و مورخان اسلامی قرار گرفته است. با توجه به اینکه میدانیم منشأ وجودی فرقه‌های گوناگون اسلامی در ابتدا و در حقیقت اختلاف نظرات سیاسی پیرامون موضوع خلافت و جانشینی پیامبر و حکومت بر جهان اسلام بوده است، لیکن پس از مدتی هواداران هر نظریه در باب صلاحیت و حدود وظائف خلیفه یا امام، بتدریج نظرات سیاسی خود را به رنگ اندیشه‌های دینی در آوردند. سپس بتدریج اندیشه‌های دینی خود را در قالب علم کلام بسط و توسعه دادند. بدین ترتیب نظریه‌های گوناگون سیاسی، بتدریج به فرقه‌های دینی تبدیل شده و هر کدام منشأ نهضت‌هایی گردیده که بعضاً تا به امروز تداوم یافته‌اند.

شاید بهمین دلیل پژوهش پیرامون موضوعات تاریخ صدر اسلام، از جمله دوره خلیفه سوم، عثمان بن عفان، همیشه مورد توجه مورخین بوده است. در این رساله از آثار مورخین و پژوهشگران مختلفی، اعم از سنی و شیعه بهره مندی حاصل گردیده است. اهم بعضی از آثار به شرح زیر میباشد

۱- تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک نوشته محمد بن جریر طبری، مورخ اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است. این کتاب از جمله آثاری است که روایات متعدد و گوناگون را در این باب نوشته است. با توجه به وسعت اطلاعات داده شده و همچنین قربت زمانی وی با زمان مورد بحث، می‌بایست آن را از منابع معتبر بحساب آورد. او در کتاب خود اقوال متعدد را آورده که با مقایسه آن اقوال با قول مورخین دیگر از جمله ابن اعمش کوفی و ابن ابی الحدید میتوان به حقایق امور واقف گردید. مسلم‌مباحث کتاب تاریخ الرسل والملوک در خصوص تاریخ صدر اسلام از ارزنده ترین قسمت‌های کتاب وی محسوب گشته و در نگارش این مقاله در نهایت سودمندی واقع گردیده است.

۲- الفتوح به قلم ابو محمد احمد بن علی اعثم کوفی، الکندی، مورخ قرن سوم و چهارم هجری در اثر خود از مورخین بزرگی همچون مدائنی، واقدی، ابو مخنف وابن کلبی بهره مند گردیده است. همچنین تمامی شنیده ها و دریافت های خود را به صورت روایت تاریخی مسلسلی در آورده است. الفتوح ابن اعثم در مقایسه با روایات تاریخی دیگر صورخان به اثر مهمی برای تعیین صحت روایات دیگر مورخین همچون تاریخ طبری ارتقا یافته است.

ابن اعثم متوفی به سال ۳۱۴ هـ ق شیعی مذهب بوده است. اولین شخص از مورخان که نام ابن اعثم را در آثار خود آورده است یاقوت حموی و سپس حاج خلیفه در کشف الظنون میباشند. ترجمه الفتوح در قرن ششم هجری ابتدا توسط محمدبن احمد بن ابی بکر مستوفی هروی انجام گرفته و لیکن کار نیمه تمام وی را از آغاز خلافت خلیفه دوم به بعد محمد بن ابی بکرما بیژن آبادی ادامه داده است.<sup>۱</sup>

### پیشینه سیاسی اعراب

شورش که در سال ۳۵ هـ علیه خلیفه سوم بوقوع پیوست در واقع نتیجه عملکرد دولت نو بنیادی بود که فقط ربع قرن از عمر آن میگذشت. برای بررسی دقیقتر لازم است که مختصری در خصوص پیشینه و تجربه های ناچیز اعراب حجاز پیرامون سیاست و دولت، و اصولاً علت بی سابقه بودن دولت، به عنوان بزرگترین واحد سیاسی در سرزمین حجاز مورد مطالعه قرار گیرد. عربستان سرزمین پهناور و شبه جزیره بزرگی است که همه اعراب که امروزه در جهان عرب زندگی می کند، از آن خارج شده اند. در سرزمین عربستان مناطقی وجود دارد که میتوان از جمله حج یمن، نجد را نام برد.<sup>۲</sup> سرزمینهای یمن و نجد به سبب تفاوت اقلیمی و آب و هوایی که با حجاز دارند، در قبل از اسلام نیز دارای دولتهایی بوده اند. بمانند قنوه، قتبان، سبائیان معینیان، حضر موت، حمیریان در شمال و در جنوب هم دولتهایی بمانند نبطیان، پالمیرا، تدمر پترا، غسانیان و لخمیان تشکیل شده بودند. اینان یکی پس از دیگری و پس از مدتی جای را به دیگری واگذار کرده بودند.<sup>۳</sup> اما در حجاز به دلیل شرایط زیست محیطی سخت آن دارای جمعیتی کم و تقریباً فاقد تجربه سیاسی در تشکیل دولت بود. شهرهای بزرگ این منطقه خشک و خشن. شامل مکه، جده، یثرب (مدینه) می باشند.

شیوه زندگی ساکنان حجاز در گذشته برای امرار معاش و گذران زندگی، از طریق و کوچ نشینی سپری میشد. محیط سخت و خشن صحرا و شن زارهای وسیع و محصور در میان بلندیهای بی شکل و عاری از هر نوع پوشش گیاهی مناسب، خلق و خوی خاصی را برای ساکن در این سرزمین بوجود آورده بود. بطوری که تا قبل از ظهور ملت واحدی به معنا سید کلمه وجود نداشت. و دولتی هم بر آنها حکم نمیراند. حتی در محاسبات و معادلات سیاست بین المللی هم که در آن روز عمدتاً توسط ایران و روم شکل میگرفت، اعراب محلی از اعراب نداشتند. بدی آب و هوا و کمبود آب، اشکال مختلف زندگی را بر آنان سخت میکرد. گاه اتفاق می افتاد که چندین سال پیایی قحطی و خشکسالی حادث میشد و چراگاه اکثر آنان را از میان میبرد لذا بادیه نشینان ناچار بودند برای فرار از خشکسالی مسیره های طولانی چند صد کیلومتری را ط کنند. در خلال این مهاجرتها ممکن بود به سرزمینهای پرآب و علف برسند. در این صورت قدرت کافی داشتند از غارت و چپاول خود داری نکرده و در این راه دست به قتل و خونریزی میزدند.

### سقیفه بنی ساعده و انتخاب خلیفه اول

هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمودند، و در حالی که علی (ع) و بعض دیگر صحابه مشغول کفن و دفن آن حضرت بودند، در گوشه ای دیگر از مدینه یعنی در سقیفه بنی ساعده جمعیتی از انصار تشکیل شده بود و برای انتخاب خلیفه و جانشین پیامبر هر

<sup>۱</sup> محمد بن علی ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد ابن احمد مستوفی هروی مصحح غلامرضا طباطبائی مجد، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ص ۴۷ -

۱۱

<sup>۲</sup> فروخ، پیشین، ص ۸

<sup>۳</sup> سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۹ - ۶

یک نظری میدادند و هم می خواستند که خلیفه از انصار باشد. در زمانی هم که خود را برای مجادله با مهاجرین آماده میکردند، گفتند نه کوتاه آمدن آن است که از ما امیری و از آنان هم امیری. اما سعد بن عباده با این امر مخالف بود و این را اولین سستی قلمدار کرد. هنگامی که عمر بن خطاب از این حادثه آگاه گردید، به خان فاطمه (ع) رفت و ابوبکر را خبردار کرد. ابوبکر به نزد انصار آمد و در ماجرای انتخاب خلیفه چنین اظهار نظر کرد:

« ..... برای عربان سخت بود که دین پدران را ترک کنند. مهاجران قدیم که « قوم وی بودند تصدیق او کردند و ایمان آوردند و باوی همدلی و پایمردی کردند، و این به هنگامی بود که قوم پیغمبر به سختی آزار و تکذیبشان میکردند و همه مردم مخالفشان بودند و به ضدشان برخاسته بودند اما از کمی خویش و دشمنی کسان و ضدیت قوم خویش نهرا سیدند و نخستین کسان بودند که در این «سرزمین، خدارا پرستش کردند و به او و پیمبرش ایمان آوردند و اینان خویشان پیمبر بوده اند و پس از او بیش از همه کس به این کار حق دارند و هر که با آنها مجادله کند ستمگر است. و شما، ای گروه انصار، چنانید که کس منکر فضیلت شما در دین و سابقه درخشان شما در اسلام نیست که خدا شما را انصار دین و پیمبر خویش کرد که مهاجرت پیمبر سوی شما بود و بیشتر زمانش و یارانش از شما بودند، و پس از مهاجران قدیم هیچکس به نزد ما همانند شما نیست ما امیران میشویم و شما وزیران میشوید که با شما مشورت کنیم و بی رای شما کاری را به سر نبرم »

### خلافت ابوبکر

تاثیر اقدامات وی بر شورش سال ۳۵ هـ

ابوبکر ابن ابی قحافه از دوستان قبل از بعثت پیامبر شمرده میشد و جزء اولین کسانی بود این اسلام مشرف گردید.<sup>۴</sup> اما پدرش ابوقحافه در فتح مکه مسلمان شد.<sup>۵</sup> ابوبکر در زمان جاهلیت در مکه از احترام خاص بر خوردار بود. اقدامات وی در زمان پیامبر (ص) و هم پیشنمازی وی در آخرین نماز جماعت پیامبر (ص) و یار غار بودن بودی در روز هجرت، احترام وی را در میان مسلمانان ارتقا بخشیده بود.<sup>۶</sup> لذا در سقیفه بنی ساعده هنگامی که انصار را بیم داد که اگر کار بدست اوس افتد خزرجیان رقابت کنند، و اگر کار بدست خزرج افتد اوسیان مخالف آغازند و ممکن است دشمنی های گذشته از نو تجدید شود، اصحاب رای وی را پسندیدند. بعضی مورخین معتقدند که کار انتخاب ابوبکر مطابق رسم دیرین عرب انجام شد که در زمان جاهلیت معمول بود.<sup>۷</sup> و تصریح دارند که یکی از مهمترین عوامل انتخاب ابوبکر شیخو خیت وی بود که از ملاکهای گزیدن رهبری یک قبیله به حساب می آمد. بهر حال ابوبکر بعنوان خلیفه انتخاب گردید.

وی روز انتخابش به خلافت خطبه ای ایراد کرد و گفت :

« ای مردم من بر شما لایت یافتم، اما از شما بهتر نیستم. اگر نیکی کردم کمکم کنید.»

« و اگر بد کردم، مرابه راستی باز آرید. راستی امانت است و دروغ خیانت، ناتوان شما نزد من توانا است تا انشاء الله حقش را بدو باز گردانم و توانای شما نزد من ناتوان است. تا انشاء الله حق را از او بگیرم..... و پیامبرش را اطاعت میکنم مرا اطاعت کنید. و اگر عصیان با خدا و رسول کردم اطاعت من بر شما روانیست.»<sup>۸</sup>

سیره ابوبکر در خلافت مورد رضای مردم بود لذا توقعی را در جامعه مسلمین پدید آورد. از آن پس مسلمین انتظار داشتند والیان و خلفای بعد از وی طبق سیره ابوبکر عمل کنند و تخطی از آن را جایز نمی شمردند. در دوره خلافت عثمان هم قبل از شورش اصحاب بروی خرده میگرفتند که چرا سیره ابوبکر و عمر را رعایت نکرده است ؟

<sup>۴</sup> حمداله مستوفی، پیشین، ص ۱۳۶

<sup>۵</sup> هندوشاه نخجوانی، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام دکتر توفیق سبحانی، انتشارات

کتابخانه طهوری، ص ۱۳.

<sup>۶</sup> زیدان، پیشین، ص ۴۶.

<sup>۷</sup> ابراهیم حسن، پیشین، ص ۲۲۴.

<sup>۸</sup> همان، ص ۲۲۵.

## خلافت عمر بن خطاب

### پیش در آمد حکومت عثمان و تسلط امویان

عمر بن خطاب، نسبش ابو حفص عمر بن خطاب بن نفیل بن عبدالغری بن قرط بن ریاح بن عبدالله بن رزاح بن عدی واو اهل قبیلہ بنی عدی بن کعب است. مادرش حنتمه بنت هشام، خواهر ابوجهل بود. عمر در ۲۲ سالگی مسلمان شد و سی و سه سال در اسلام بود. پیمبر (ص) او را فاروق لقب فرمود جهت آنکه حق از باطل فرق میکرد.<sup>۹</sup> هنگامی که هنوز دعوت آشکار شده بود و مسلمانان به مسجد نمی توانستند بروند، پیمبر (ص) دعا کرد و گفت: (و اللهم اید الدین بعمر او با بی جهل). دعا در حق عمر مستجاب شد. پنجاه آدم مسلمان شده بودند که چهلم عمر خطاب بود چون او با اسلام در آمد مسلمانان آشکارا کردند و پیمبر (ص) با یاران بسعی او به مسجد رفت و نماز جمعه گزارند.<sup>۱۰</sup> طبری درباره وی میگوید، عمر خوب تربیت شده بود و در فصاحت و صراحت ضرب المثل بود.

### شورای شش نفره

در این شوری زبیر و سعد بن ابی وقاص طرفدار علی (ع) بودند.<sup>۱۱</sup> عمر هم گفته بود که اگر جماعت متفق نشوند با کسی باشید که عبدالرحمن بن عوف با آن کس باشد.<sup>۱۲</sup> در بین اجتماع نیز افرادی نفوذی همچون ابوسفیان بن حرب، عمرو عاص، و ..... عثمان را میخواستند. در قبل از تشکیل شوری، ابوسفیان گفته بود که می ترسم خلافت را نپذیرد. عمر وعاص گفته بود که امشب کاری کنم که خلافت به عثمان رسد. لذا وی نزد علی شد و گفت عبدالرحمن از من نظر خواست. من میل به تو داشتم ولی فردا گرانی کن تا به تو رغبت کند و بعد نزد عثمان رفت و گفت فردا عبدالرحمن هر چه شرط کرد بپذیرد.<sup>۱۳</sup> عبدالرحمن در روز اعلام خلیفه به مسجد آمد و از مردم پرسید که به چه کسی میل دارند.<sup>۱۴</sup> اما این سؤال را نباید خیلی جدی تلقی کرد، چونکه عبدالرحمن در شوری نتیجه رسیده بود و در مسجد فقط قصد اعلام آن را داشت نه تغییر آن را. هندو شاه میگوید که کسی علناً در باب معرفی خلافت عثمان مخالفتی نکرد.<sup>۱۵</sup> هنگامی که عبدالرحمن خطاب به علی (ع) می گفت که با کتاب خدا و سنت شیخین بیعت کنیم؟ علی (ع) به وی گفت که با وجود کتاب خدا و سنت پیامبر نیازی به سیره شیخی من نیست و به عبدالرحمن گفت که تو میخواهی بدین وسیله این امر را از من دور سازی.<sup>۱۶</sup>

در این شوری خویشاوندی عثمان و عبدالرحمن بن عوف که جای خود داشت، از طرف دیگر عبدالرحمن عموی سعد بن ابی وقاص هم بود. اضافه بر آن عبدالرحمن داماد عثمان بود.<sup>۱۷</sup> اینها با همدیگر تفاهم کامل داشتند. به این ترتیب حتی اگر طلحه هم میآمد و حمایت از علی میکرد و زبیر هم کاملاً معتقد بود که بعد از عمر باعلی بیعت باید کرد، با این حال کار علی سامان نمی یافت. البته شوری، خصوصاً عبدالرحمن در قبال تعهد خود به علی (ع) عمل نکرد و جانب خویشاوندی را گرفت. بعداً هم از کرده خود پشیمان شد. هنگامی که عبد الرحمن عثمان را انتخاب کرد، علی (ع) چنین گفت:

<sup>۹</sup> مستوفی، پیشین، ص ۷۴.

<sup>۱۰</sup> همان، ص ۱۳۷ و وبرژیل، کونستان، گیور گیو، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح اله منصور، ص ۱۱۱.

<sup>۱۱</sup> ابراهیم حسن، پیشین، ص ۲۸۵. و بلاذری، فتوح البلدان، ص ۸۴.

<sup>۱۲</sup> نخجوانی، پیشین، ص ۲۵.

<sup>۱۳</sup> بلعمی، پیشین، ص ۵۷۱.

<sup>۱۴</sup> همانجا.

<sup>۱۵</sup> نخجوانی، پیشین، ص ۲۵.

<sup>۱۶</sup> ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد ۱، با انتشارات بنگاه ترجمه

و نشر کتاب، ص ۵۳ و بلعمی، پیشین، ص ۵۷۳.

<sup>۱۷</sup> ام کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط که خواهر مادری عثمان بود، همسر عبدالرحمن بن عوف بود.

« ..... آن را برای همیشه بخشیدی. این اولین بار نیست که بر ضد ما همسخن شده اید، ما نیز صبوریم و خدا پشتیبان ماست. بخدا عثمان را به خلافت « انتخاب نکردی مگر به قصد آنکه خلافت را به تو باز گرداند. اما خدا هرروز « و صفی دیگر پدید می آورد. »<sup>۱۸</sup> از این زمان به بعد عثمان نسبت به علی بد بین شد و تا قبل از وفاتش نیز این بد بینی را ادامه داد. بدین ترتیب شورای شش نفره نقطه عطف دیگری در رقابتهای بنی امیه و بنی هاشم محسوب گشته و از این اختلاف ابتدا دسته های مختلف سیاسی پدید آمدند و شورش را علیه عثمان سازمان دادند. این دسته های سیاسی بعدها شکل دینی به خود گرفتند و فرقه های شیعه. خارجی، مرجعی و معتزلی را پدید آوردند.

عبداله بن عباس معتقد بود که در شوری علی (ع) را بفریفتند تا به خلافت عثمان رضا داد. اما علی (ع) گفت: « مرا نفریفتند بلکه دیدم همه قوم بر خلافت عثمان اتفاق دارند و راهی همگان بر وی قرار گرفته است و بدو راضی گشته، نخواستم که مخالفت مسلمانان کنم و فتنه بیانگیزم.

طلحه نیز هنگامی که به مدینه وارد شد، عثمان انتخاب شده بود. وی نیز گفت که معاذالله من کار را که مسلمانان به اتفاق یکدیگر منتظم گردانیده باشند باطل گردانم و کار بر خلاف مسلمانان کنم. عثمان اهل اینکار است و به هیچ مزیت نیست.<sup>۱۹</sup> تمامی بنی امیه از خلافت عثمان شاد شده واز عثمان حمایت کردند و به سخن دیگر به خلافت وی چشم طمع داشتند. به همین دلیل است که هاشم بن ولید بن مغیره به عمار که از خلافت علی جانبداری میکرد، می گوید که ای پسر سمی منزلت خویش را نشناختی و پای از گلیم خود فراتر نهادی، تو را به آنچه که قریش برای مصلحت میبینند چکار ؟

تو را شاید که دیگر در کار قریش و امیری ایشان سخن گویی، خود را از این کار کنار بکش قریش هم همگان سخن گفتند و برعمار فریاد کشیدند و او را به سختی راندند،<sup>۲۰</sup> اینجا دیگر اصحاب و کبار شرکت کننده در بدر صاحب اختیار و ارزشها نیستند، بلکه ملاک همان ملاکهای جامعه اشراف قبیلگی است. شورای شش نفره هم محدود به همین شش نفر است و جمع اصحاب حل و عقد نیست. از انصار هم کسی در این مجلس شرکت داده نشد. مگر ابوبکر نگفته بود که انصار و زیرا تند.<sup>۲۱</sup> دلیل این تغییر واضح است. خلافت به قریش اختصاص دارد و از قریش هم به قبیله و طایفه بنی امیه.

### شخصیت خلیفه سوم

عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه بن عبدالشمس بن عبد مناف، ششم است از عبد من و رسول (ص) پنجم بود. مادر او اروی دختر بیضا عمه رسول بود. درسی و سه سالگی مسلمان شد و چهل و هشت سال در اسلام بود.<sup>۲۲</sup> ابوعبداله و ابو عمرو کینه داشت ولی به ابو عبدالله معروفتر است. فرزنداناش عبارتند از عبدالله اکبر عبدالله اصغر که مادرشان رقیه دختر رسول خدا (ص) بود و ابان و خاله و سعید و ام عمر و عایشه بودند تولد وی را به سال ۴۷ قبل از هجرت یعنی سال ۶ عام الفیل ذکر کرده اند<sup>۲۳</sup> ابن رسته میگوید که عثمان مرد تمیزی بود هرگاه ( ساختن مسجد مدینه همراه مهاجر و انصار خشتی میآورد سعی میکرد لباسهایش کثیف : و چون خشتی را به زمین میگذاشت غبار آستین هایش را پاک میکرد و به لباس خود نگاه میک که اگر بر روی آن خاک نشست آن را بتکاند<sup>۲۴</sup> وی در کمال سخاوت و بزرگواری و گذشت بود و خویش و بیگانه چیز میداد و عمال وی و بسیاری مردم هم عصر او روش او گرفتند و از او تقلید کردند. سال نهم هجرت در ماه رجب پیامبر به عزم غزا بطرف شام روانه شد و فرمود که متمولان

<sup>۱۸</sup> ابراهیم حسن، پیشین، ص ۲۸۶.

<sup>۱۹</sup> ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۲۷۹.

<sup>۲۰</sup> ابن ابی الحدید، پیشین، جلد ۲، ص ۲۷۷.

<sup>۲۱</sup> شهیدی، پیشین، ص ۱۳۱.

<sup>۲۲</sup> مستوفی، پیشین، ص ۱۲۶.

<sup>۲۳</sup> احمدابن عمرابن رسته، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره جانلو، انتشارات امیرکبیر، ص ۷۵.

<sup>۲۴</sup> همانجا

اسلام ضعفا را بخواسته مدد کنند. عثمان بسیاری مال بذل کرد.<sup>۲۵</sup> هنگامی که عثمان با رقیه دختر پیامبر (ص) ازدواج کرد. با عده ای از مسلمین به حبشه رفت و جزء سیزده نف مهاجرین بود.<sup>۲۶</sup> هنگامی که دختر دوم پیامبر (ص) ام کلثوم در حباله عثمان بود، در گذشت.

### ظهور تعصبات قبیله‌گی در دوره خلیفه سوم

همانطور که قبلاً به اختصار یادآوری شد عواملی در عربستان به سبب عدم تکوین یک قدرت متمرکز و مافوق نگرش قبیله‌گی گردید که از مهمترین آنان میتوان به سه عامل اشاره کرد.

۱- فرهنگ موجود در جامعه فاقد عناصری بود که جامعه را بسوی تمرکز سوق دهد. لذا هر قبیله بت مخصوص در کعبه داشت و خدای واحد برای آنان نیز مفهومی نداشت

۲- از نظر جغرافیایی مناطق سکونت از نظر مکانی دور از یکدیگر بوده و لذا دوری قبایل از یکدیگر و عدم راههای ارتباطی مناسب و وجود بیابانهای خشک و بی آب و علف مانع عمده ای بر سر راه پیوند مردم و ضرورت تشکیل دولت متمرکز بوده است.

۳- محدودیت منابع اقتصادی عامل ایجاد نزاعها و دشمنیهای بین قبایل بود و مانع وحدت آنان می شد.<sup>۲۷</sup> تصمیمگیری در مورد سیاست اداره قبیله و تنظیم روابط با قبایل دیگر همه به عهده رئیس قبیل است. که به تناسب عصبیت داخلی قبیله که بر پایه نسب و خون بنا شده بود به صورتی موروثی به ریاست دست می یافت. و در واقع سیادت از پدر به پسر ارشد منتقل میگردد.<sup>۲۸</sup> یعنی در قبیله برآیند آثار نسبی برتریهای خونی و نژادی است و از نظر اعمال جنبه ریش سفیدانه دارد.<sup>۲۹</sup> روابط قبیله‌گی که قرن‌ها در حجاز و در دیگر قسمتهای عربستان حرف اول را میزد، با ظهور اسلام در معرض مخاطره قرار گرفت و قبیله قریش براساس این روابط سیادت و سروری خود را که ناشی از ثروت و پرده داری کعبه بود بردیگر قبایل حفظ کرده بودند، طبیعتاً از هر عاملی که سیادت آنان را به مخاطره افکند هراس داشتند.

بر مبنی این تصور قریش نزد ابوطالب میرفتند و اظهار میکردند که فرزند برادر تو کار ما را متشتت کرده است و میخواهد میان ما دشمنی و عداوت ایجاد کند.<sup>۳۰</sup> خمیر مایه و اساس دشمنی که قریش از آن نام میبردند، تفرقه کفر از اسلام بود. اسلام موفق شده بود که تا جمع زیادی از افراد وابسته به قبایل و عشایر را به سوی خود جذب کند. با مسلمان شدن این افراد پیوند آنان با قبایلشان سست گشته و روابطشان با افراد عشیره خود تیره گردیده بود.<sup>۳۱</sup> البته مسلمان شدن این افراد، هرچند که در ابتدا ارتباطی به روابط قبیله‌گی نداشت، اما با علنی شدن دعوت و خصوصاً پس از هجرت، قبایل به صورت دست جمعی و مطابق تصمیم رئیس قبیله مسلمان میشده و همپیمان محمد (ص) در مدینه میشدند.

### بدعت‌های دینی در دوران خلیفه سوم

در دوره خلیفه سوم به سبب کوششهای خلفاً سلف قدرت سیاسی دینی اسلام علاوه برسیط تمامی شبه جزیره بزرگ عربستان، بر ایران و شام و فلسطین نیز مسلط گردیده بود. در این موقع رفتار، گفتار و تقریرات حضرت پیامبر (ص) بعنوان معیارهای لایتغیر ارزشهای جامعه اسلامی تثبیت شده بود و هرگونه رفتاری که خلاف سیره پیامبر (ص) میبود بعنوان منشأ اختلاف دینی تبلور می یافت. بعضی از این اختلافات موجب انشقاق مذهبی و ایجاد فرق گوناگون گردید لیکن تا قبل از آغاز خلافت عثمان، نه اختلاف در بین صحابه بر سر موضوعات گوناگون پدید آمده بود شهرستانی در کتاب الملسل و النحل بتفصیل راجع به این موضوع بحث کرده

<sup>۲۵</sup> مستوفی، پیشین، ص ۱۶

<sup>۲۶</sup> کونستانین ویژریل، گیور گیو محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح اله منصور، انتشارات، مجله خواندنیها، ص ۲۵۱ و ۱۱۹

<sup>۲۷</sup> رسول جعفریان، تاریخ تحول دولت و خلافت، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ص ۱۶

<sup>۲۸</sup> همان، ص ۲۳

<sup>۲۹</sup> همان، ص ۱۵

<sup>۳۰</sup> همان، ص ۲۹. به نقل از انساب الاشراف، جلد ۱، ص ۲۵۱ - ۲۳۱.

<sup>۳۱</sup> همان، ص ۲۸.

است. اینک شرح اختلافات و بدعت‌های دین در بیان اول شبهه ای که در ملت اسلام ظاهر شد و چگونه منشعب گشت و از که بظهور آمد. اختلاف اول: ..... اول تنازعی که در مرض آن سرور واقع شد، آن است که محمد بن اسماعیل البخاری به اسناد خود از عبدالله بن عباس نقل کرده است: چون سخت شد مرض صوت آن سرور و زمان رحلت نزدیک رسید، پیغمبر فرمود: «ائتونی بدواء و قرطاس اکتب لکم کتابا لا تضلوا بعده»

یعنی بشتابید دواتی و کاغذی، باورید تا بنویسم برای شما صحیفه ای که بعد از آن از گمراهی ایمن باشید. عمر بن خطاب فرمود که پیک حضرت رسالت را غلبه مرض و شدت دردمندی در مزاحمت دارد و کتاب آسمانی که قرآن است از برای رهنمونی ما بسنده است. از این جهت گفت و گوی بسیار شد و اختلاف و آوازا بلندی گرفت و آن سرور فرمود: «قُومُوا عَنِّي، وَلَا يَنْبَغِي عِنْدِي التَّنَازُعُ» برخیزید از پیش من که شاید که نزد من سخن به نزاع انجامد.

ابن عباس گفت: تمامی مصیبت و بلا این بود که بواسطه نزاع میانه ما و نوشته ای که حضرت رسالت پناه مرحمت میفرمود، حایلی پیدا شد. یعنی اگر این نزاع نمی کردیم، از نوشته آن، محروم نمی ماندیم.

**اختلاف دوم** از تاکید حضرت بر گسیل اسامه بود که حضرت فرمود: لعن الله من تخلف عنها.

لیکن عده ای از صحابه گفتند که ما را تاب جدایی از سرور عالم در این حال نیست و این موضوع و نزاع را مخالفان از مخالفت‌هایی شمرده اند که در کار دین خلل آورده است.

**اختلاف سوم:** مربوط به برخورد عمر با فوت پیامبر بود.

**اختلاف چهارم:** مربوط به اختلاف در مکان دفن آن سرور بود.

**اختلاف پنجم:** اختلاف در امامت بود که در سقیفه آغازید.

**اختلاف ششم:** در قصه فدک و حدیث مشهور پیامبر است: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنا صَدَقَةً»

یعنی ما جماعت انبیاء آنچه میگذاریم صدقه است.

**اختلاف هفتم:** در کارزار نمودن با طایفه ای که مانع زکات گرفتن بودند و نمیدادند. پس بعضی از اهل اسلام گفتند که در این مخالفت با ایشان جنگ نمیکنیم مانند کارزار نمودن با کفار. و برخی فرمودند همان جنگ میکنیم که با کفار.

**اختلاف هشتم:** اعتراض بعضی بر ابوبکر بود که گفتند حاکم گردانیدی بر ما مردمی درشت خوی را.

**اختلاف نهم:** در امر شوری و اختلاف رای های مردم در آن تا آنکه مجموع امت اتفاق کردند بر بیعت غیر از اینکه خویشان وی از بنی امیه بر مرکبهای جور و ستم سوار شدند و در میدان عناد و دشمنی تاختنها آوردند و وبال آن جورهای ایشان هم به آن امام زمان رسید و در امت اختلاف بسیار شد و بر امام گرفتهها کردند که بدی آنها همه به بنی امیه راجع می شود.<sup>۳۲</sup>

همانطور که گفتیم اینها اختلافاتی بود که تا قبل از خلافت عثمان در جامعه مسلمین بطور رسیده بود. عمر نیز بعنوان یک خلیفه و یک سیاستمدار پیش بینیهایی کرده بود و چاره هایی اندیشیده بود. وی در وصیت نامه، برای اینکه مردم علیه خلیفه شورش نکنند توصیه هایی کرده بود. لیکن خلیفه سوم پیرو خلفاء سلف نبود. وصیت نامه عمر را چنین نوشته اند.

«ای مردم من خوابی وحشت انگیز دیده ام و بهمین جهت مرگ خود را نزدیک میبینم. لذا قبل از مرگ به شما چند توصیه می کنم:

اول اینکه بعد از مرگ من حرفه اصلی خود را سربازی قرار دهید.

دوم اینکه نسبت به اقوام مغلوب اعم اینکه مسلمان بشوند یا نشوند با عدالت رفتار کنید. اگر نسبت به اقوام مغلوب با عدالت رفتار کنید، آنها علیه شما طغیان نخواهند کرد. ولی اگر نسبت به آنها ظلم نمائید، دست از جان می شویند و علیه شما شورش میکنند و شما پیوسته باید با اقوام دیگ بجنگید و جنگهای دائمی شما را خسته و ضعیف خواهد کرد. ....»<sup>۳۳</sup>

<sup>۳۲</sup> شهرستانی، پیشین، جلد ۱، ص ۴۰ - ۳۵

میدانیم که مصریان قوم مغلوب نقش اساسی در شورش علیه خلیفه سوم ایفا کردند و تنها عام اعتراض آنان رفتار ظالمانه حکام قریش در مصر بود. بهرحال عثمان در طول دوره خلافت خود به وصیت نامه عمر و نصایح علی(ع) توجه نکرد. مردم نیز از رفتارهای وی ناراضی و آنها را بدعت تلقی میکردند.

### تغییرات اقتصادی در وضعیت اعراب در زمان خلیفه سوم

تاریخ عربستان بیاد نداشت که ظرف مدت ۱ سال تمام شبه جزیره تحت سیطره و نفوذ یک دولت متمرکز درآمده باشد و سپس ظرف مدت کمی بیش از ۲ سال دامنه فتوحات خود را به خارج از قاره آسیا گسترده باشد. در شورای سقیفه بنی ساعده انصار که از تیره یمانی بودند، مجبور شدند از دعوی خود برخلافت و جانشینی پیامبر چشم ببوشند و رضای مهاجران را برخواست خویش ترجیح دهند اما دلیلی وجود نداشت که فرزندان آنان و یا نو مسلمانان دیگر از حکومت‌های مصر و شام و بصره و ..... چشم ببوشند تا درآمد این شهرها همچنان برای قیسیان باقی بماند.<sup>۳۴</sup> از طرف دیگر مکیان که از قیسیان بودند و در راس آنها قبیله قریش که تیره نیرومند و اشراف منش عرب بودند، روزی مسلمان شدند که سپاه مدینه (یمانیان را در داخل شهر مکه دیدند.

### بذل و بخششهای از خزانه بیت المال

ام ابان دختر ابوسفیان بن حرب همسر عثمان بود. عثمان نیز به مناسبتی مبلغ دویست هزار درهم به او بخشید. این اقدام عثمان موجب رنجش خاطر خزانه دار زید بن ارقم شد. در مقابل اینگون رفتارهای عثمان زیدبن ارقم که خزانه دار بیت المال بود کلید خزانه را آورده و در برابر عثمان نهاد.<sup>۳۵</sup> بعضی هم گویند که وی در مسجد کلید را در بین مردم پرت کرد و بالحن اعتراض نسبت به اعمال خلاف عثمان قهر کرد.

دیگر خرده ای که برسیاست مالی عثمان وارد است این است که چون ابوموسی اشعری برای عثمان از عراق اموال فراوانی به ارمغال آورد، عثمان نیز آن اموال را میان بنی امیه تقسیم کرد.<sup>۳۶</sup> عثمان دختر خود عایشه را به همسری حارث بن حکم در آورد و صد هزار درهم از بیت المال به او داد و این پس از آن بود که زیدبن ارقم را از خزانه داری برکنار نمود.<sup>۳۷</sup> چهارمین بخشش بی حساب و کتاب وی بخشش غنائم ناحیه شمال غربی افریقا به عبدالله بن ابی سرح بود. بدون اینکه هیچیک از مسلمانان را در آن غنائم شریک قرار دهد.<sup>۳۸</sup>

### سیاست عثمان

#### مقایسه ای بین حکومت داری عمر و عثمان

شدت و سختگیری عمر بر والیانی که برایالات منصوب میکرد، زبانزد خاص و عام بود وی خود میگوید «که در دوره خلافت خود هرگز تحت تاثیر حسب و نسب و ثروت و مقام متخلفین قرار نگرفتم و آنها را طبق قانون خداوند که به وسیله پیامبرش بر ما وضع شده مجازات. کردم سال قبل ( ۲۲ هـ ) بطوریکه میدانید کشور ری از طرف سربازان اسلام فتح شد. فرمانده قشون ما در جنگ ری قرطه بن کعب بود که وقتی ری به تصرف ما در آمد غنائمی که از آنجا بوسیله قرطه بن کعب برای بیت المال فرستاده شد مساوی بود با غنائمی که مادر مداین بدست آوردیم. با اینکه قرطه بن کعب آن خدمت بزرگ را به اسلام کرد وقتی شنیدم که خمر نوشیده وی را از فرماندهی قشون و حکومت ری معزول کردم و او را حدزدم. چون میدانستم که یک مسلمان خمر نوشد در رأی قشون اسلام قرار بگیرد و والی یک کشور باشد».<sup>۳۹</sup>

<sup>۳۳</sup> فاروقی، پیشین، ص ۷۹

<sup>۳۴</sup> شهیدی، پیشین، ص ۱۳۲.

<sup>۳۵</sup> همان، ص ۹۷

<sup>۳۶</sup> همانجا

<sup>۳۷</sup> همانجا

<sup>۳۸</sup> همانجا

<sup>۳۹</sup> همان، ص ۸۳

## تغییر زمامدراں کوفه در دوره عثمان

## عملکرد ولید بن عقبه موجب تضعیف موقعیت عثمان شد

کوفه به سبب موقعیت استراتژیکی که در صدر اسلام داشت، از نظر سیاسی و اجتماعی و بخاطر نزدیکی آن به مدینه پایتخت خلیفه موقعیت بخصوص داشت. در زمان عمر در سال ۲۱ هـ مردم کوفه از سعد بن ابی وقاص شکایت کردند، عمر هم محمد بن مسلمه انصاری را که هم پیمان بنی عبدالشهل بود به کوفه فرستاد. وی سعد را در مسجد با مردم روبرو کرد و درباره وی از ایشان پرسید. بعضی او را ثنا گفتند و بعضی شکایت کردند عمر هم سعد بن ابی وقاص را عزل کرد و در عوض عمار یاسر را حاکم و عثمان بن حنیف را خراج بگیر و عبدالله بن مسعود را گفت به مردم قرآن و مسایل دینی آموزد و برای آنان روزی یک گوسفند مقرر کرد<sup>۴۰</sup> عثمان علی رغم تعهد کرده بود که حکام منصوب عمر را تعویض کند.

## اوضاع حکام مسلمان مصر در دوره عثمان

گفتیم که عثمان قول داده بود تا یک سال هیچ کس از عمال عمر را معزول نکند اما چون خلافت برو قرار گرفت خویشان خود را به کارها نامزد کرد و امارت ولایات فرستاد خبر آمد که قوم اسکندر به مرتد شدند عمر وعاص را مصر و اسکندریه داد و آنجا فرستاد. عمروعاص آن ولایت را رام کرد و با سلام آورد.<sup>۴۱</sup> پس از مدتی هم بدون صبر و مطالعه عمروعاص را که مصر را برای مسلمین فتح مجدد کرده بود از حکومت این مملکت عزل کرد و عموی خود عبدالله بن ابی سرح را به جای وی منصوب نمود. در صورتی سابقاً پیامبر (ص) این شخص را مهدورالدم معرفی کرده بود.<sup>۴۲</sup>

## شام در دوره خلیفه سوم

در واپسین دم حیات، پیامبر لشکری به سرداری اسامه بن زید عازم مرزهای روم بود. هر چند که با فوت پیامبر اعزام این لشکر به تعویق افتاد اما با به خلافت رسیدن ابوبکر، وی اصرار به اعزام اسامه و لشکرش را داشت و عاقبت نیز چنین شد. پس از اسامه، ابوبکر لشکری برای فتح شام گسیل داشت آن لشکر در شام بود که ابوبکر فوت کرد. عمر هم ابوعبیده جراح را به فرماندهی لشکر برگزید و شام فتح شد. با فتح شام یزید بن ابی سفیان بن حرب حاکم نظامی آنجا شد. اما به سبب بیماری که در شام شیوع یافت، یزید بن ابی سفیان درگذشت. عمر برادر وی یعنی معاویه بن ابی سفیان را به حکومت آن سرزمین منصوب کرد<sup>۴۳</sup> بدین ترتیب دمشق واردن تحت نفوذ یکی از طلقاء در آمد البته خشونت طبع عمر در سیاست و ملکداری جایی برای سوء استفاده معاویه ( در دوره عمر ) باقی نگذاشت، اما بعد از فوت عمروبه خلافت رسیدن عثمان، معاویه خود را فارغ البال یافت.

## بصره در دوره خلیفه سوم

بصره سومین ایالتی بود که علیه خلیفه سوم سر به شورش بر داشته و به شورشیان مصری و کوفی پیوستند. آنان حامی طلحه بن عبیدالله بودند که در این موقع علیه خلیفه سوم سر به اعتراض برداشته بود. در سال ۲۸ هـ مردم بصره از ابوموسی اشعری والی بصره ناراضی بودند. لذا نزد عشقمان از وی شکایت کردند. عثمان هم وی را برکنار کرد.<sup>۴۴</sup> و عبدالله بن عامر بن کریزبن ربیع بن حبیب بن عبد الشمس که دایی عثمان بود،<sup>۴۵</sup> منصوب شد. علت عزل ابو موسی اشعری این بود که مردم ایذه و مردم کرد نشین در سال سوم خلافت عثمان کافر و مرتد شدند. ابوموسی هم مردم بصره را به جهاد

<sup>۴۰</sup> مسعودی، پیشین، جلد ۱، ص ۶۹۱

<sup>۴۱</sup> مستوفی، پیشین، ص ۱۸۷.

<sup>۴۲</sup> بروکلیمان، پیشین، ص ۹۳.

<sup>۴۳</sup> داوود، بناکتی تاریخ بناکتی، ترجمه جعفر، شعار انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۹۶.

<sup>۴۴</sup> بلعمی، پیشین، ص ۵۸۲.

<sup>۴۵</sup> بعضی هم وی را، پسرخاله عثمان شناخته اند فروخ، پیشین، ص ۸۱

علیه آنان فرا خواند ولی وقتی مردم گفتند که همانطور که ما را به جهاد ترغیب اجازه استفاده از چهارپایان را به ما بده. ابوموسی مردم را به شلاق بست و رفتارهای ناپسندی با مردم کرد.<sup>۴۶</sup>

### سرانجام قاتلین خلیفه سوم

در بررسی کیفیت احوال شورشیان علیه خلیفه سوم عده ای بودند که پس از قتل عثمان با علی (ع) در بررسی بیعت کردند لیکن این بیعت چندان استوار باقی نماند و به تدریج بیعت کنندگان از علی (ع) فاصله گرفتند. عده ای در واقعه جمل سرخ موی عده ای در جنگ صفین به دینارهای معاویه پیوسته و عده ای هم در ماجرای حکمیت به گمراهی در غلطیدند. مثلاً زیاد از عروه بن اذنیه از کیفیت حال ابوبکر صدیق و فاروق پرسید در شان ایشان سخن بخیر رانده از حال عثمان پرسید گفت شش سال از ایام خلاف عثمان در ملازمت او بودم بعد از آن وی تبری نمودم از جهت چند چیز که از وی صادر شده و بکفر آن بزرگوار گواهی داد.

### شورشیان و انتخاب خلیفه پس از عثمان

هنگامی که عثمان به قتل رسید خون وی روی قرآن ریخت آن قرآنی که بر اثر خون وی رنگین شد، به قول بناکتی تا قرن هشتم هجری هنوز در بصره موجود بوده است<sup>۴۷</sup> نگهداری این قرآن و پیراهن عثمان برای تهیج مردم علیه علی (ع) بود<sup>۴۸</sup> البته مردم مدینه که از زمان هجرت حامی خاندان رسال بودند، از علی (ع) طرفداری میکردند. قبایلی همچون ربیع و مردم یمن هم در حمایت علی (ع) به مردم مدینه پیوستند.<sup>۴۹</sup> اینان میدانستند که علی (ع) در ریختن خون عثمان نقشی نداشته است. از طرف دیگر میان مردم مکه و مدینه رقابت دیرینه ای بود چراکه مدینه بعنوان پایتخت اسلامی مکه را تا حدودی از رونق انداخته بود و بازرگانی و قدرت نفوذ در مدینه استقرار یافته بود. بهمین دلیل بود که طلحه و زبیر در مقابل بیعت مردم با علی (ع) به مکه رفتند و از مکیان کمک خواسته و جنگ جمل را بپا کردند.<sup>۵۰</sup> البته خاندان بنی امیه که عثمان و مروان و ولید... از آنان بودند در مکه مستقر بودند. علی (ع) که پس از رحلت پیامبر (ص) و پس از قتل عمر بر اثر یک سلسل دسایس و نیرنگ به خلافت منصوب نشده بود هر زمان بهانه ای برای وی میآوردند از جمله

جوانی وی در زمان سقیفه اما علت اصلی دشمنی طایفه های مختلفی بود که علی (ع) افراد مشهور کافر آنان را در غزوات به قتل رسانده بود. اینان واهمه داشتند که با به خلافت رسیدن علی (ع) مقام و منزلت خود را از دست بدهند.<sup>۵۱</sup> مسلم است با این توصیف تا زمانی که اوضاع سیر طبیعی خود را طی نماید علی (ع) نمیتوانست کاندید خلافت باشد اما شرایط شورش که علیه عثمان بپا شده بود ایجاب میکرد که کاندید خلافتش شخصیتی باشد که در حکومت مذموم پیشین حشش غصب شده است.

### برخورد عثمان با عمار یاسر، ابوذر غفاری و علی (ع)

هنگامی که عثمان به خلافت رسید تا مدت یکسال بر منوال درست زندگانی کرد و بعد از آن خد بگردانید و کارهایی کرد که مسلمانان آن را نپسندیدند و آن را کراهت داشتند. با او عتاب کردند. اما عثمان دل در آن نیست و ایشان را خشنود نگردانید.<sup>۵۲</sup> ادامه رفتارهای ناپسند خلیفه، عاملی شد که طایفه ای از اصحاب مصطفی فراهم آمدند و پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند که نامه ای به عثمان بنویسند. لذا مکتوبی نوشتند و در کارهایی که نه بر جاده شرع کرده بود، از وقت خلافت او تا هنگام تحریر

<sup>۴۶</sup> ابن اثیر، پیشین، جلد ۱، ص ۵۹

<sup>۴۷</sup> بناکتی، پیشین، ص ۸ - ۹۷

<sup>۴۸</sup> علی بن ابی طالب (ع)، پیشین، خطبه ۲۲، ص ۷۱

<sup>۴۹</sup> زیدان، پیشین، ص ۵۸.

<sup>۵۰</sup> همانجا

<sup>۵۱</sup> فاروقی، پیشین، ص ۹.

<sup>۵۲</sup> ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۳۱۸.

مکتوب جمله درج کردند و در قلم آوردند که اگر از این کارهای نامناسب و بیقاعده دست بردارد او را از خلافت بیرون آورند و بدل او کس دیگر بنشانند.<sup>۵۳</sup>

### نقش اصحاب در وقوع آشوب علیه خلیفه سوم

عمر بن خطاب باشم سیاسی که داشت کبار و بزرگان صحابه را از ترک مدینه منع میکرد مگر با اجازه خود و تا مدت محدودی. عمر صحابه را در مدینه نگاه میداشت و از آنها در اداره امور مهم میکرد و کمک میگرفت. وقتیکه عثمان خلیفه شد مقید و پایبند به این سیاست با حکمت نشد، بلکه کبار صحابه و اغنیای مدینه را اجازه داد که با مال و عیال خود به شهرهای دیگر بروند و آنجا مقیم شده و از منافع و نعمتها و عیشهای آن ممالک استفاده کنند. کما اینکه هر یکی از ایشان هر جائیک میخواست می رفت و آنجا برای خود منزلهای فاخر و مزارع سرسبز درست میکرد. مردم آنجا نیز دوروبر بزرگان مدینه و مکه جمع میشدند و اخبار و احادیث آنها را گوش میکردند و از اعم برگزیده و جاهد فی سبیل الله آنها تأثیر می پذیرفتند. مردم هم که چون تاریخ و سرگذشت آنها را دوست داشتند و یا بعضی که طمع مال و جاه و مقام داشتند گرد آنها جمع شدند. لذا برای

هر یکی از این اصحاب و بزرگان گروه کثیری جمع شده و آنان را تأیید و کمک می کردند و به دست او عمل میکردند. به این ترتیب در آن شهرها انجمن و گروهی تشکیل میگردد که ابتدا اهداف سیاسی داشت، اما بعدها شکل فرق دینی بخود گرفتند.<sup>۵۴</sup>

### سیاست عثمان در مقابله با مخالفان

از زمانی که عثمان بن عفان بر سریر خلافت تکیه زد، پس از آن دست به رفتارهایی زد که مطابقت با سیره پیامبر (ص) و سنت ابوبکر و عمر نداشت. خصوصاً از زمانی که مروان بن حکم را بعنوان والی مدینه و مشاور خود برگزید، نارضایتی مردم از وی فزونی گرفت. در این بخش خواهیم دید که چگونه هر زمان که عثمان قصد اصلاح بنی امور را داشت، چگونه مروان از حالت تشکک سوء استفاده کرده و وی را از انجام اصلاحات باز میداشت.

### نتیجه گیری:

با بررسی تاریخچه ساختار سیاسی جامعه عرب جاهلی در مکه و مدینه، و عدم تشکیلات منسجم و مبتنی بر دولت بعنوان بزرگترین واحد سیاسی جامعه متمدن نتیجه گرفتیم که پیامبر عظیم الشان اولین بنیانگذار دولت در جامعه عرب حجاز بود و تعصب جاهلی قبیله ای قرنهای در فرهنگ جاهلی پیشینه داشت. هر چند که پیامبر دولتی را براساس ایدئولوژی جدیدی بنیان نهاد. که در کوتاه مدت تمام شبه جزیره عربستان را تحت سیطره و نفوذ خود در آورد لیکن در ریشه کن کردن تعصبات جاهلی عرب بدوی چندین موفقیتی حاصل نگردید. شاهد این مدعا ماجرای سقیفه بنی ساعده است که بعد از فوت پیامبر (ص) و برای تعیین خلیفه النبی تشکیل گردید در شورای سقیفه مهاجرین سنگ خود را به سینه میزدند و انصار نیز بهمچنین.<sup>۵۵</sup> در بین انصار خود دو تیره اوس و خزرج با یکدیگر نزاع داشتند. شاید همین نزاع باعث موفقیت مهاجرین شد. اگرچه در دوران کوتاه دو سال و اندکی خلافت ابوبکر و دوران ده ساله خلافت عمر کمتر جنجالی بر سر مسائل سیاسی بوجود آمد اما دلیل آن عمدتاً جنگهای خارجی مهمی بود که با روح سلحشوری، غارتگری، ایمان گسترش آیین محمدی (ص) کاملاً تطابق داشت و لذا اعراب فرصت کافی برای پرداختن به مسئله تعصبات قبیله‌ای را پیدا نکردند. قبل از خلافت عثمان یعنی در شورای شش نفره ای که عمر برای انتخاب خلیفه بعدی مقرر کرد، تعصبات قبیله‌ای مجدداً آشکار گردید و در آخرهم تحت تأثیر روابط خویشاوندی و قبیله‌ای عثمان به خلافت رسید. از آن پس در سراسر دوران خلافت عثمان روابط سیاسی کاملاً تحت تأثیر تعصبات قبیله‌ای بود خصوصاً در نیمه دوم دوره خلافت خلیفه سوم همه چیز رنگ و بوی قبیله‌ای و تعصبات قبل از اسلام را بخود گرفته بود. مهمترین وجه بارز کاربرد و تأثیر روابط قبیله‌ای را میتوان

<sup>۵۳</sup> همان، ص ۳۴۰.

<sup>۵۴</sup> محمد اسماعیل ابراهیم، خلفاء راشدین، ترجمه موسوی محمد ذاکر حسینی، نشر معارف اسلامی، ص ۹۳

<sup>۵۵</sup> طبری، پیشین، جلد ۴، ص ۸ - ۱۳۴۵

در انتخابات والیان شهرها و ایالات یافت. حکام حاکم بر مصر و بصره و کوفه و مدینه و شام (در واقع یعنی تمام جهان اسلام) همه از اقوام و خویشان عثمان محسوب میگردیدند.

**وجه دوم:** روابط قبیله‌ای را در بخششهای عثمان از بیت المال باید شمرد. وی بدلیل عدم استرداد وجوه بیت المال باعث گردید خازنهای بیت المال از کار خود مستعفی شوند.

**وجه سوم:** را می‌بایست در رفتار عثمان با اصحاب گرانقدر حضرت نبی (ص) جستجو کرد وی عبدالله بن مسعود را به باد کتک گرفت تا وی مرد سپس ابوذر را از مدینه به شام و سپس از شام به مدینه واز مدینه به ریزه تبعید کرد. با علی (ع) به کرات با خشونت رفتار کرد، لیکن شأن علی (ع) بالاتر از آن بود که وی بتواند علی (ع) را تنبیه یا تبعید کند.

عدم اطلاع کافی عثمان از شرع مقدس موجب بدعتهایی توسط وی شد که باعث خرده گیری مردم و اصحاب شد. علاوه بر همه اینها خصوصیات شخصی عثمان نیز باعث گردیده بود که خویشان ناصالح وی در او طمع نمایند و بخاطر حفظ منافع شخصی خود عثمان را به هرکجا که میخواستند ببرند. در واقع عثمان قربانی اهداف اقرای خود شد تا زیاده طلبی شورشیان.

هم این ماجراها باعث گردید که معترضین به خلیفه از ایالات مختلف در موسم حج گرد آمده و بر وی شورش نمایند. آنان ابتدا خواستار تنبیه حکام ایالات شدند، اما با بی توجهی عثمان خواستار خلع وی شدند. سرانجام هم قائله به قتل عثمان منجر گردید. این آشوب و فتنه دو جنبه داشت، یکی عثمان و دیگری شورشیان. علی (ع) هم حلقه واسطه ای بود که حقوق مردم و تعدیهای عثمان را مشاهده می کرد.

لیکن تلاشهای وی جهت بهبود مسالمت آمیز اوضاع به ثمر نرسید. ماهیت افکار پریشان و بی جهت شورشیان در چند مقطع زمانی به منصف ظهور رسید. ابتدا در هنگام انتخاب خلیفه چهارم که مصریان و بصریان و کوفیان وحدت نظری مشاهده نمی شد و در مرحله دوم در هنگام جنگ صفین که حکمیت و حکم را بر علی (ع) تحمیل کردند. در مرحله سوم هم در جنگ نهروان اینان مقابله با علی (ع) کردند که منجر به قتل بسیاری از آنان شد اما ریشههای فساد بطور کامل نخشکید بلکه در دوره حکومت معاویه مجدداً زمینه رشد و نمو را فراهم دید. لذا مبانی اعتقادی خود را دال بر گناهکار بودن عثمان و علی (ع) تبیین کردند. بررسی این موضوع به مثابه نمونه ای از جامعه شناسی و نهضت های اسلامی می باشد و نشان خواهد داد که چگونه اقشار مختلف جامعه صدر اسلام با انگیزهای گوناگون در سرنوشتی مقام خلافت سوم نقش ایفا کردند و در نهایت چگونه حاصل کار خود را بدر دیدند بصورتی که ادامه شورش به نحو دیگری و توسط جناحهای دیگری به جنگ جمل و صفین و نهروان انجامید و در آخر الامر هم با به خلافت رسیدن معاویه نهضت شورشیان علیه عثمان به نقطه پایانی خود رسید.

## منابع

- ۱- ابراهیم حسن، حسن ۱۳۶۶، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان.
- ۲- ابن ابی الحدید، ۱۳۶۷، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی.
- ۳- ابن اثیر، عز الدین، الکامل فی التاریخ، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، انتشارات اساطیر
- ۴- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره جانلو، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۵- ابن طباطبا، محمد بن علی (ابن طقطقی)، ۱۳۶۷، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۶- ابن هشام، ۱۳۶۱، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی قاض ابر قوه، مقدم و تصحیح اصغر مهدوی، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۷- اسماعیل ابراهیم محمد، ۱۳۶۰، خلفاء راشدین، ترجمه موسوی محمد ذاکر حسینی، زاهدان، نشر

معارف اسلامی

- ۸- اصفهانی ابوالخرج، برگزیده، الاغانی، ترجمه محمد حسین مشایخ فریدی شرکت انتشارات علمی
- ۹ - اصفهانی حمزه، ۱۳۶۷، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات امیر کبیر .
- ۱۰- باقری، علی، ۱۳۶۷، تحول دولت و سیاست در اسلام، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۱۱ - بروکلمان کار دل، ۱۳۴۶، تاریخ دول و ملل اسلامی ترجمه دکتر هادی جزایری شهر آن بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۲ - بلاذری احمد بن یحیی، ۱۳۴۶، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، بنی اد فرهنگ ایران.
- ۱۳ - بلخی روحی مولانا جلال الدین محمد (مولوی)، ۱۳۱۷، مثنوی مولوی تهران، انتشارات پژوهشی
- ۱۴- ابو علی بلعمی، ۱۳۶۶، تاریخنامه طبری، ترجمه منسوب به بلعمی، تصحیح و تحشیه محمد روشن تهران، انتشارات امیر کبیر .
- ۱۵ - بناکتی داوود، ۱۳۴۸، تاریخ بنا کتی، ترجمه جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی
- ۱۶ - جعفریان رسول، ۱۳۷۳، تاریخ تحول دولت و خلافت، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- ۱۷ - خواندید، ۱۳۵۳، حبیب السیر، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام.
- ۱۸- زرین کوب عبد الحسین، ۱۳۵۵، بامداد اسلام، چاپ سپهر تهران
- ۱۹ - زیدان جرجی، ۱۳۶۹، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۰- شهرستانی ابوالفتح محمد بن عبد الکریم، ۱۳۶۲، توضیح الملل ترجمه الملل و نحل، ترجمه مصطفی خالقدادهاشمی، تصحیح سید محمدرضا خدائی نائینی تهران، انتشارات اقبال.
- ۲۱ - شهیدی سید جعفر، ۱۳۷۳، تاریخ تحلیلی اسلام، شهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۲ - علی (ع) بن ابی طالب، نهج البلاغه، به قلم فیض الاسلام، ترجمه سید نبی الدین اولیایی، انشارات زرین
- ۲۳ - علی امیر، ۱۴۰۱ هـ. ق، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه، فخرداعی گیلانی، تهران، انتشارات گنجینه
- ۲۴ - طبری محمد بن جریر
- طیبی حشمت اله، ۱۳۷۰، مبادی و اصول جامعه شناسی شهر آن، کتابفروشی اسلامیة .
- ۲۶ - فاروقی نواد، ۱۳۵۸، علی از زبان عمر، موسسه مطبوعاتی عطایی
- ۳۷ - فروخ عمر، ۱۳۵۸، تاریخ مصور اسلام، ترجمه محمد علی شیرازی تهران انتشارات گنجینه
- ۲۸ - قرآن کریم .
- ۲۹ - قریشی، مهدی خلف در پیشگاه عدالت، ترجمه ادیب شیرازی
- ۳ - کوفی محمد بن علی بن اعشم، ۱۳۷۲، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- ۳۱ - کوران تیمور، ۱۵ مرداد ۱۳۷۵، پیام امروز، ترجمه و تلخیص دکتر نادر حبیبی و پویا مشایخ آهنگرانی.
- ۳۲ - کونستان، ویرژیل، گیور گیو، ۱۳۴۳، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح الله منصور، انتشارات مجله خواندنیها.
- ۳۳- محقق، محمد باقر، ۱۳۶۱، نمونه بینات در شان نزول آیات، انتشارات اسلامی.
- ۳۴- مستوفی حمد الله، ۱۳۶۲، تاریخ گزیده، به اهتمام عبد الحسین نوایی، انتشارات امیر کبیر

- ۳۵ - مسعودی ابوالحسن، ۱۳۷۰، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگ
- ۳۶ - مصری محمد امین، ۱۳۵۵، زندگانی و فضائل امیر المومنین عثمان، ترجمه، سید جمیلها شمیم نبیلی  
مهباد، انتشارات سیدیان.
- ۳۷ - واقدی محمد بن عمر، ۱۳۶۲، مغازی ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر دانشگاهی
- ۳۸ - نخجوانی هندو شاه، ۱۳۵۷، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام دکتر توفیق سبحانی  
تهران، کتابخانه طهوری
- ۳۹ - نویری شهاب الدین احمد، ۱۳۶۴، نهاییه الادب فی فنون الادب، ترجمه مهدی دامغانی انتشارات امیر کبیر
- ۴۰ - یعقوبی ابن و اضخ، ۱۳۵۶، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آتبی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.